۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

به نام خدا

پیشگفتار

درس عربی، درسی است که اغلب داوطلبان کنکور توجه کمتری به آن دارند و تعدادی به دلیل اینکه احساس می کنند این درس نیاز به مطالعه زیاد دارد به طور کلی بی خیال آن می شوند!عربی به عنوان یک درس عمومی برای همه گروههای آزمایشی ضریب (۲) دارد. میانگین نمره درس عربی قبول شدگان کنکور در گروه ریاضی ۱۸/۳۸ درصد، تجربی ۱۵/۰۶ درصد، انسانی ۱۲/۳۲، هنر ۸/۹۲ و زبان های خارجی ۲۰/۰٤ درصد است. درس عربی پایین ترین نمره را در میان دروس عمومی دارد. ولی در گروه زبان خارجی و تا حدی علوم تجربی رقابت در این درس جدی تر و حتی شدیدتر از درس ادبیات است. نکته جالب در مورد درس عربی آن است که این درس هر چند نسبت به درسهای ادبیات و معارف ضریب کمتری دارد، اما به علت ضعف عمومی داوطلبان، هر نمره آن به مقدار بیشتری نمره تراز شما را افزایش می دهد.

در این جزوه سعی کردم تجربیات و خلاصه نویسی های شخصی خودم را با شما داوطلبان عزیز به اشتراک بگذارم مخصوصا با آن دسته از داوطلب هایی که درصد های پایین دارند و به نوعی از کسب نمره بالا در این درس نا امید اند! تهیه و مرور این جزوه باعث شد من درصد عربی خودم را (۱۰۵درصد) افزایش بدهم!وقتی من توانستم چرا شما ها نتونید. من هم مثل شما دانش آموز بودم تازه از اون دسته ای که فقط سال آخر رو جدی گرفتند و تو سه سال قبل پیش دانشگاهی خیلی تلاشی برای کنکور نکرده بودند. شما هم اگه اراده کنین می تونید درصد (۱٦-) به (۸۹.۱٤) تبدیل کنید.

و اما راز پیشرفت با همچین شیبی چیست؟ جواب خیلی سادست. استمرار و امید! شما باید هر هفته خلاصه نویسی خود را تکمیل و آن را مرور کنید. نباید نگران درصد های امروز خود باشید شما چندین ماه فرصت دارید تا به ایده‌آل خود در کنکور سراسری برسید فقط کافیه در این مدت از راه درست منحرف نشوید. به برنامه ریزی خود مقید باشید، مطمئنا شما در چند هفته نخست تفاوت بزرگی حس نخواهید کرد و این استمرار در این روند است که باعث پیشرفت شما می شود. قرار نیست هر هفته زمان زیادی بگذارید مهم این است که هر هفته زمان بگذارید. مرور مستمر و خلاصه برداشتن از نکات جدید باعث می شود درصد شما پیشرفت قابل توجه ای داشته باشد

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

باور داشته باشید «هر آنچه را که شما به وضوح تصور می کنید، مشتاقانه آرزو می کنید،خالصانه به آن اعتقاد دارید و با شور شوق بر اساس آن عمل می کنید ... به ناچار باید اتفاق بیافتد.»

تقدیر و تشکر

از مادر عزیزم سپاسگزارم به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در سردترین روزگاران بهترین پشتیبانمن بود.

تشکر میکنم از تمام دبیران و مشاورانی که من رو در موفقیت در این درس و کنکور راهنمایی کردند.

و تشکر ویژه دارم از موسسه آموزشی ونوس که زحمت تهیه و پخش مطالب این چنینی را برای پیشرفت داوطلبان با انگیزه، بدون هیچ چشم داشتی بر عهده می گیرند.

شهریور ۹۵

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )

عربی تقریب و ترجمه

شیوه ی پاسخگویی تست ابعاد

ابتدا به صورت سوال کاری نداریم
با به ع نزدیم همزمان بررسی شود و تفاوت ها را مواجهم به صورت سوال بررسی می کنیم
تفاوت ها:
- فعل (زمان ، مصدری بودن حد المقدور مصدر ترجمه شود)
- جمع و مفرد
- معرفه و نکره
- رعایت درست ترکیب های اضافی و وصفی
- ضمیر

شیوه پاسخگویی به تعیین الصحیح یا عین الخطأ

توجه به علامت آخر جملات (.) یا (!)
قسمت های کوتاه جدا می کنیم و بررسی می کنیم
خودمان ترجمه می کنیم

اسکر مصاحبی
۹۵/۶/۳۱

زمان فعل ها

ماضی نقلی
قد + ماضی — قد عَلِمَ : دانسته است
ماضی ساده ، ماضی نقلی می تواند به جای هم به کار بروند
* نکته « قد + مضارع معنی گاهی را به جمله اضافه می کند »

ماضی استمراری
کان + مضارع — کنتُ أعلم : یاد می دادم

ماضی بعید
کان + ماضی — کانت [قد] تعلمت : یاد گرفته بود

آینده
سـ / سوف + مضارع — سیکتبُ / سوف یکتبُ : خواهد نوشت

امر
حاضر (مخاطب) — اُنظُر : نگاه کن
غایب (غایب و متکلم) — لِتکتبْ : باید بنویسیم — لِ + مضارع

مضارع التزامی
برخی حروف ناصبه « أن - لـ - کی - لکی - حتی » + مضارع منصوب — حتی یرجعوا : تا برگردند
فعل شرط چه مضارع چه ماضی « إن - مَن - ما - أینما - متی ما »
* نکته « جواب شرط همواره مضارع اخباری ترجمه می شود
إذا = هرگاه مانند ادات شرط است — إذا دَرَسَ ینجح : هرگاه درس بخواند موفق می شود
فعل مضارع پس از « لعل ولیت » لعلکم ترحمون : شاید مورد رحمت قرار گیرید
فعل مضارع پس از اسم موصول خاص و عام (من و ما)
العاقل من یعتبر بالتجارب : عاقل کسی است که از تجربه ها عبرت بگیرد

Subject:
Year. Month. Date. ( )

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

فعل منفی
- ماضی منفی: ما + ماضی — ما کَتَبَ : ننوشت
- لم / لمّا + مضارع مجزوم — لم یَکْتُبْ
- مضارع منفی: لا + مضارع — لا یَکتُبُ : نمی نویسد
- مستقبل منفی: لَنْ + مضارع منصوب — لن یَکتُبَ : [هرگز] نخواهد نوشت
- امر منفی (نهی): لا + مضارع مجزوم — لا تَکْتُبْ : نویس — لا نَکْتُبْ : نباید بنویسیم
- ماضی نقلی منفی: لم / لمّا + مضارع مجزوم — لَمّا یَکْتُبْ : ننوشته است [هنوز]
- ماضی استمراری منفی: با کان یا فعل مضارع را منفی می‌کنیم — ما کان یَکتُبُ / کان لا یَکتُبُ : نمی نوشت
- ماضی بعید منفی: با کان یا فعل ماضی را منفی می‌کنیم — ما کان کَتَبَ / کان ما کَتَبَ : ننوشته بود

- لمّا همانی که بر سر فعل ماضی یا مضارع که مجزوم نشده بیاید به معنی هنوز است و معکوس منفی ساز عمل: هنوز درک کردی
- ان و ئ به معنای همان و چیز / و می‌توانند ترجمه نشوند
- هناک به معنای آنجا اگر در ابتدای جمله اسمیه بیاید معنا و وجود دارد می‌دهد
- در بحث نکره و معرفه باید دقت شود «ی» مبانی یا «ی» نکره اشتباه نشود
- چنان چه در یک جمله اسمیه خبر مفرد بدون صفت آمده باشد اگر نکره باشد معرفه ترجمه می‌شود
- اگر بلافاصله بعد از یک اسم ال دار یک اسم موصول جامد بیاید اسم ال دار غالباً نکره ترجمه می‌شود
- اگر در جمله اسمیه خبر مفرد بدون صفت و جمع باشد مفرد ترجمه می‌شود — هم مفعول‌ون : ایشان معلم هستند
- چنان چه پس از هذه و تلک یک اسم جمع غیر عاقل و بدون ال بیاید اسم اشاره به صورت جمع ترجمه می‌شود تلک حقائق: آن حقایق هستند

مفهوم داشتن
- حال: لی کتابٌ — عندی کتابٌ : کتابی دارم
- ما / لیس لی کتابٌ — ما / لیس عندی کتابٌ : کتابی ندارم
- گذشته: کان لی کتابٌ — کان عندی کتابٌ : کتابی داشتم
- ماکان لی کتابٌ — لم یکن عندی کتابٌ : کتابی نداشتم

PAPCO

Subject:
Year. Month. Date. ( )

٠٩١٢١١٨٢١٢١
٠٢١٦٦٤٢٦٠٠٠

کُل

+ اسم مفرد نکره ← هر — کل تلمیذ: هر دانش آموزی
+ اسم مفرد معرفه ← همه، تمام، سراسر — کل الکتاب: همه ی کتاب
+ اسم جمع معرفه ← همه — کل الطلاب: همه دانش آموزان
+ مِن + جمع ← هریک — کل من المعلمین: هریک از معلم ها

مضموم با لام

لِـ + مضارع مجزوم (غایب و متکلم) — لیذهب: باید برود
علی + اسم یا ضمیر متصل + اَن + مضارع منصوب — علیک اَن تذهب: تو باید بروی
یَجِبُ + [علی + اسم یا ضمیر متصل] + اَن + مضارع منصوب — یجب [علینا] اَن نذهب: ما باید برویم

عبارت های دو فعلی

ماضی + ماضی ← فعل ۲ ماضی بعید — رأیتُ تلمیذاً قرأ درسه — دانش آموز درسش را خوانده بود
ماضی + مضارع ← فعل ۲ ماضی استمراری — رأیتُ تلمیذاً یقرأ درسه — می خواند
مضارع + مضارع ← فعل ۲ مضارع اخباری — أری تلمیذاً یقرأ درسه — ... است
مضارع + ماضی ← فعل ۲ ماضی نقلی — أری تلمیذاً قرأ درسه — ... است

PqPCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

شیوه ی پاسخگویی به تست های شکل

برای حل این تست ها نیازی به خواندن متن نیست
با صورت سوال کاری نداریم و ابتدا سراغ تفاوت حرکت گذاری در گزینه ها می گردیم
سپس با مراجعه به صورت سوال گزینه ی غلط را رد می کنیم

تنوین ← یک اسم مفعول اگر «مبنی، غیرمصروف، مثنی، جمع مذکر سالم» نباشد می تواند نشانه ی زیر را داشته باشد

۱- ال ۲- تنوین ۳- مضاف بودن

قواعد ترکیب اضافی

مضاف نمی تواند تنوین بگیرد
مضاف الیه مجرور است
مضاف و مضاف الیه مجرور اسم اند و همواره کنار هم می آیند
مضاف نه تنوین می گیرد نه ال
اسم اشاره، اسم موصول و ضمیر نمی توانند مضاف واقع شوند

شناخت وزن باب های ثلاثی مجرد

اسم غیرمصروف اگر ال نداشته و مضاف نباشد در حالت جری به جای کسره فتحه می گیرد

شناخت اسم غیرمصروف

اسم علم مونث ← آناهیتا، همیره
اسم شهرها، کشورها، رودها، کوه ها ← بیشه، پنجاب، اهواز
اسم علم غیر عربی ← داریوش، ابراهیم
اسم پیامبران به جز «محمد، صالح، شعیب، نوح، هود، لوط، شیث»
اسم با صفت بر وزن أفعل ← أحمد، أحسن، أفضل
جمع بر وزن مفاعل و مفاعیل ← مساجد، شیاطین، دراهم
اسم مختوم به الف مقصوره زائد ← کبری، دنیا
اسم مختوم به الف ممدوده زائد ← زهراء، صحراء، صفراء، آبیاء
صفت مختوم به ان زائد ← رحمان، عطشان، حیران، جوعان

نکات پرکاربرد در تست های حرکت گذاری

شناخت حروف جر (چه کاری می کنند؟) ← رُبَّ، من، فی، الی، عند، عن، حتی، بِ، لِ، کَ، وَ (قسم)، مُنذ، مُذ
شناخت حروف عطف (چه کاری؟) ← وَ، فَ، ثُمَّ، بل، او، أم (یا)، لکن، لا
شناخت حروف ناصبه ← می توانند با حروف عطف چندین فعل را منصوب کنند (فعل مضارع منصوب می کنند)
أن، لَن، لِ، لِکی، کی، حتی
شناخت حروف جازمه ← لم، لما، لِ (امر)، لا (نهی) ← فعل مجزوم
شناخت ادات شرط ← إن، من، ما، أینما، متی ما ← معمولاً دو فعل را مجزوم می کنند
شناخت افعال ناقصه ← خبر را منصوب می کنند ← کان، صار، لیس، اصبح، مادام، مازال
شناخت حروف مشبه بالفعل ← مبتدا را منصوب می کنند إنَّ اللهَ ← إنَّ، أنَّ، کأنَّ، لیت، لکنَّ، لعلَّ
شناخت توابع (چین ج) ← صفت، معطوف، اسم «ال» دار، بلافاصله بعد از اسم اشاره
شناخت حالت های جر ← مضاف الیه باشد
مجرور به حرف جر باشد
تابع اسم مجرور باشد

PARCO

Subject:
Year. Month. Date. ( )

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

روش حل ۴ نکته مفهومی

- ده گونه‌ی جامع
  - سوالات ترجمه: معنایی که فقط با یکی از ترجمه دقیق قابل حل است
  - سوالات عین الصحیح و خطا: در بیشتر موارد با ترجمه‌ی دقیق و کف شعور قابل حل اند
- بقیه
  - برای پاسخ به بقیه قبل از متن سوال‌ها را بخوانیم
  - متن را با چشم دنبال می‌کنیم و معانی کلمات را به ذهن می‌آوریم

نکات
- عبارت جمله فعلیه برای فعل‌ها همیشه درست دیگر برای افعال ناقصه که همیشه غلط
- عبارت فعل و فاعل به معنای آن است که فاعل اسم ظاهر نیست
- هر فعلی دارای ضمیر بارز بود فاعلش حتماً همان ضمیر است
- صیغه‌ی ۷، ۱۳، ۱۴ واجب الاستتار هستند یعنی فاعلشان حتماً ضمیر مستتر است
- چنان چه یک اسم ظاهر به عنوان فاعل معرفی شد یا شبه جمله از مراجعه به متن آن‌ها از نظر تطابق جنس مقایسه می‌کنیم
- قواعد فاعل = قواعد نائب فاعل = قواعد اسم افعال ناقصه
- یک فعل نمی‌تواند خبر مفرد باشد زیرا خبر مفرد فقط اسم است
- یک فعل و یا یک اسم به تنهایی نمی‌تواند خبر مقدم باشد زیرا خبر مقدم شبه جمله است

سمت چپ
- برای بررسی این قسمت اول گزینه‌ها را می‌گیریم اگر نکته داشت ارتباط یا از بین گزینه‌ی غلط را رد می‌کنیم

نکته: «مبنی للمجهول و مبنی للمعلوم هیچ ربطی به معرب و مبنی ندارد»

سمت راست
- اگر فعل بود موارد بررسی شود
  - ثلاثی مجرد یا مزید
  - صحیح / مهتل / مهموز / مضاعف (چی‌اند؟)
  - معرب یا مبنی
    - ۱۴ صیغه‌ی ماضی
    - ۶ و ۱۲ مضارع
    - ۶ صیغه امر حاضر
- اگر اسم بود موارد بررسی شود
  - جامد یا مشتق
  - معرفه یا نکره
  - منصرف یا ممنوع من الصرف

شیوه‌ی پاسخگویی به تست‌های تجربی تحلیل محتوی

PDFCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

شیوه ساخت مشتق

اسم فاعل
(ثلاثی مجرد) ← بروزن فاعل می‌آید مانند: سالم عالم هادی
ثلاثی مزید: ۱- حذف حرف مضارعه و جایگزینی میم ۲- عین الفعل مکسور

اسم مفعول
ثلاثی مجرد ← مانند: معلوم مشهور و...
ثلاثی مزید ۱- ۲- عین الفعل مفتوح

اسم زمان و اسم مکان
جهشان بروزن مفاعل مناظر مجالس [نکته حاضر]
بروزن «مَفْعَل» «مَفْعِل» مذهب مضرب - مَنْزِل مَنْزِل
از ثلاثی مزید میانه اسم مفعول ساخته می‌شود یُعَلِّم مُعَلِّم

اسم مبالغه
بروزن‌های «فعّال» «فعّالة» «فَعُول» تَوّاب - علّامة - صَبُور
* در ساخت اسم مبالغه وزن فعّالة مخصوص مونث نیست

اسم تفضیل (تر و ترین)
بروزن «أَفْعَل» «فُعْلَى» أحسن حُسْنَى
* در ساخت اسم تفضیل أفعل برای مونث هم به کار می‌رود
به شرطی که صفت سالم هو احسن التلمیذات.
* کلماتی مانند عم اخت اهم اصح ای أجل و... تفضیل اند ولی زائد
* کلمه اخر بروزن أفعل و مشتق اند ولی مونث آن اخر است به معنی دیگر

صفت مشبهه
جمع بعضشان غیر قیاسی
بروزن‌های فعیل فعل فعال فعِل فعَل
* اگر کلمه بر این وزن‌ها صفت نباشد صفت مشبهه نیست یقین شجیع نصیر
* صفاتی هم وجود دارند که بروزن‌های بالا هستند ولی صفت مشبهه نیستند شجاع و جبان صفت مشبهه اند
کلماتی مانند بخیل علیل ولیل نحیل زمیل دلیل صفت مشبهه بروزن فعیل اند
و مفعول بروزن أفعال جمع بسته می‌شوند انبیا اولیا و...
* کلماتی بروزن تفضیل وجود دارند که صفت مشبه اند زیست اخضر زرقاء
رنگ‌ها (احمر حمراء) احمر ابیض اسود اخضر ازرق
عیب أعمی عمیاء کور أبکم لال اصم کر أعرج لنگ احوَل

اسم آلت
بروزن مِفْعَل مِفْعَلَة مِفْعال مبرد مقراض

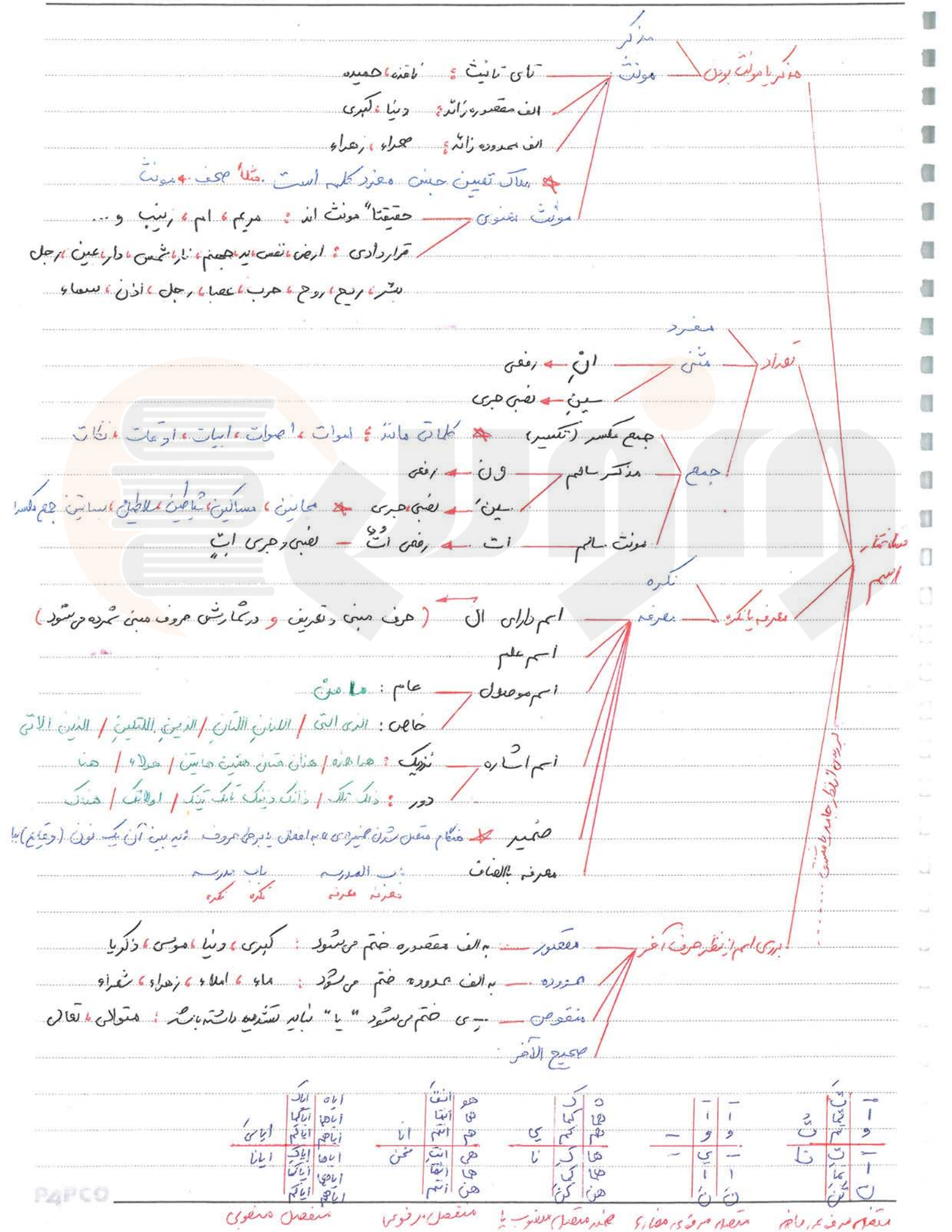
* تمامی مصدرها جامد اند
* کلماتی مانند آمِن آخِر آسِف آکِل و... اسم فاعل اند ولی آسِف اکیل مونث آن‌ها و اسم عمل
* کلماتی مانند جادّ شادّ شابّ شاقّ ضالّ لالّ غانم و... اسم فاعل اند
* کلماتی مانند میر سَیِّب مُنیر مکیر و... اسم فاعل اند
* کلماتی مانند محمّی عبیّ مروی مخیّ اسم مفعول بروزن مفعول اند و مونث دارند
* کلماتی مانند مقام مجال منام مکان منزل اسم مکان یا زمان هستند بروزن مفعل

جامد و مشتق

PDFCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )



۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )



۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

صیغه ← فعل ماضی ← حروف اصلی + ا ـَ ـَ ت ـْ / ن ـَ ـَ ت ـْ / ت ـَ ـَ ت ـْ / ت ـَ ـَ ت ـِ / ت ـَ ـَ ت ـُ / ا ـَ ـَ ت ـَ / ن ـَ ـَ ت ـَ / ت ـَ ـَ ت ـَ / ت ـَ ـَ ت ـَ / ا ـَ ـَ ت ـَ / ن ـَ ـَ ت ـَ

صیغه ← فعل مضارع ← حروف مضارعه + صیغه ماضی + ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ / ـُ ـُ ـُ ـُ

علامت رفع: ۱ صیغه ـُ (اعراب) ۱ ۴ ۷ ۱۳ ۱۴
۷ صیغه ثبوت نون اعراب (عربی)
۲ صیغه مبنی (عجمی)

امر حاضر (برای مخاطب) ← ۱ حذف حرف مضارعه ت ۲ مجزوم کردن کلمه ۳ اگر کلمه باقی مانده ساکن و عین الفعل ـُ داشت أ اضافه می‌کنیم در غیر این صورت إ در غیر...
استثناء: فعل امر در باب إفعال با همزه‌ی مفتوح شروع می‌شود
تجلسین إجلسی تنظرون أنظروا شاهدْ شاهِدْ
تکرمان أکرما

امر غایب (برای متکلم و غایب) ← لِ + مضارع مجزوم

برون فعل

لازم و متعدی:
فعل لازم به مفعول نیاز ندارد ولی فعل متعدی به مفعول نیاز دارد
راه‌های متعدی کردن: بردن به باب إفعال — بَعُدَ دور شد أبعد دور کرد
بردن به باب تفعیل — قَرُبَ نزدیک شد قرّب نزدیک کرد
افزودن حرف جر پ — ذهب به ... را برد أتی ب ... را آورد
چنان چه یک فعل متعدی را به باب إفعال ببریم دو مفعولی می‌شود
همه‌ی فعل‌ها در باب تفعیل متعدی هستند
جعل رزق وعده وجد علم حسب کسا البس جزای منح آتی أعطی وهب

ثلاثی مجرد: صیغه‌ی ۱ ماضی ۳ حرف دارد
این دو فعل دارای الگوی خاصی نیستند و ماضی آن‌ها هر یک از وزن‌های
مضارع: یَفْعَلُ یَفْعِلُ یَفْعُلُ / فَعَلَ فَعِلَ فَعُلَ

ثلاثی مزید: صیغه‌ی ۱ ماضی بیش از ۳ حرف دارد
مطابق الگوهای خود ساخته می‌شود

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )

ماضی	مضارع	باب	امر	تعداد حروف اضافه
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	إِفْعَال	أَفْعِلْ	۱
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيل	فَعِّلْ	۱
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَة (فِعَال)	فَاعِلْ	۱
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	۲
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُل	تَفَاعَلْ	۲
اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفِعَال	اِنْفَعِلْ	۲
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	افْتِعَال	اِفْتَعِلْ	۲
اِسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتِفْعَال	اِسْتَفْعِلْ	۳

★ مدار تعیین حروف زائد صیغه از ماضی است
★ در فعل هایی ثلاثی مزید ۳ از ماضی ۳ از امر بیشتر زیادی حرف داریم که باید توجه شود

ارکان:
- فعل + فاعل (برای فعل لازم)
- فعل + مفعول + فاعل (برای فعل متعدی)
- فعل + نائب فاعل (برای فعل مجهول)

★ فاعل همیشه مرفوع و هیچ‌گاه قبل از فعل نمی‌آید به یکی از سه شکل: اسم ظاهر / ضمیر بارز / ضمیر مستتر
★ هر فعلی که ضمیر بارز داشت فاعلش حتماً همان ضمیر بارز است.
★ صیغه‌های ۷، ۱۳، ۱۴ واجب المثنا هستند (فاعل حتماً ضمیر مستتر)
★ در صیغه‌ی ۱ و ۴ ماضی و مضارع اگر اسم ظاهر بود فاعل ضمیر مستتر «هو / هی» است
★ هرگاه فاعل اسم ظاهر باشد فعل باید مفرد استفاده شود
★ چنانچه فاعل جمع غیر عاقل باشد فعل باید به شکل «مفرد مؤنث» بیاید

جزء غیر فعلیه

مفعول:
- همیشه منصوب است
- می‌تواند بعد و قبل از فعل و فاعل بیاید

انواع مفعول:
- اسم ظاهر: قَرَأَ الطَّالِبُ الْكِتَابَ
- ضمیر متصل منصوب: ضَرَبَهُ أَبُوهُ
- ضمیر منفصل منصوب: إِيَّاكَ غَيْرُ

★ ضمیر «نا» در هردو کاربرد مفعولی و فاعلی به کار می‌رود به طوری که اگر آن را حذف کردیم و فعل دچار ایجاد شد فاعلی است

در غیر این صورت مفعولی است

عَلَّمْنَا	عَلَّمْنَا	عَلَّمْنَا
فاعلی	مفعولی	مفعولی

PDFCO

Subject:
Year. Month. Date. ( )

مبتدا ← اسمی است مرفوع
غالباً معرفه است
معمولاً در ابتدای جمله می آید

ارکان ← خبر مرفوع ← خبر مفرد ← یک اسم می باشد که غالباً «نکره» است و معنای جمله را تمام می کند
خبر جمله ← اسمیه ← تمام جمله اسمیه خبر است ← علیٌّ خُلُقُهُ حَسَنٌ (خبر)
فعلیه ← فعل خبر است ← علیٌّ یذهب الی المکتبة (خبر)
خبر شبه جمله ← جار و مجرور ← الکتابُ علی المنضدة
ظرف مکان - زمان ← الکتابُ عندَ المعلم

جمله اسمیه

جملاتی که با کان و سایر «افعال ناقصه» شروع می شوند اسمیه هستند ← المبشرون کانوا اخوانَ الانبیاءِ (خبر (جمله اسمیه))
* هرگاه خبر مفرد مثنی باشد باید از نظر جنس و عدد با مبتدا تطابق کند
* چنانچه در یک عبارت چند شبه جمله داشتیم شبه جمله ای را به عنوان خبر انتخاب می کنیم که معنای جمله را کامل می کند

خبر مقدم - مبتدای موخر ← چنانچه خبر شبه جمله باشد می تواند مقدم شود ؟ لله ملک السماوات و الارض
اگر خبر شبه جمله و مبتدا نکره باشد خبر باید مقدم شود ؟ فی الصفِ تلمیذٌ

جدا کردن خبر و جمله ← اولویت مهم است یعنی اول دنبال خبر مفرد بعد خبر جمله در پایان خبر شبه جمله هستیم
* برای پیدا کردن خبر بهتر است نقش های اصلی و فرعی دیگر را بیابیم مثل صفت مبتدا
نقش های فرعی ← اسم ال دار پس از اسم اشاره اگر جامد باشد عطف بیان و اگر مشتق صفت
* اسم موصول خاص بلافاصله پس از اسم ال دار صفت است
جمله موصول ← جملاتی شبه جمله که پس از اسم موصول عام و خاص می آیند
* اگر پس از مبتدا به یک ضمیر متصل مرفوعی برسیم آن ضمیر فعل تأیید کرده است و نباید با چیز دیگری اشتباه شود و اسم بعد از آن خبر است

ذلک الرجل الذی رأیناه فی الشارع لیلةَ أمس هو المعلم الذی کان یدرس فی مدرستنا فی السنة الماضیة
(جار-مجرور) (جمله موصول) (مبتدا) (جمله موصول) (جار-مجرور) (جار-مجرور) (صفت)
(عطف بیان موصول) (جار-مجرور) (خبر) (ضمیر متصل فاعلی آمده)

P4PCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

و	ـَـ	ـِـ	ـُـ
رفع	نصب	جر	جزم

* جزم مخصوص فعل است در: ؟

اعراب ظاهری لفظی تقدیری

اصلی

فرعی (نیابی)

کلماتی هستند که به جای گرفتن اعراب اصلی (علامت اصلی) علامت دیگری می‌گیرند

اسم مثنی — رفع «انِ» — نصب و جر «ینِ» — ثابت الظاهر

جمع مونث سالم — در حالت نصبی «ـِـ» می‌گیرد — قرآن مجالات علمیه

جمع مذکر سالم — رفع «ونَ» — نصب و جر «ینَ» — * این اعراب برای کلم است و آن را نباید اعراب فعل اشتباه گرفت

اسماء خمسه — به شرطی که مضاف باشند و ما الیه شان جمع نباشد

در رفع «و» نصب «ا» جر «ی»

اسم غیر منصرف — اگر مضاف نباشد و ال نداشته باشد

در حالت جری «ـَـ» می‌گیرد

انواع اعراب

اعراب محلی — برای کلمات مبنی — جمله‌ها — شبه جمله‌ها

جو عالم و محلی

حتی یذهب إلی البلیة محلی

کلماتی که معرب‌اند اما نمی‌توانند اعراب خود را نشان دهند

اعراب تقدیری

منقوص (اسم) — مختوم به الف مقصوره مانند موسی، کبری، دنیا

* در هر سه حالت رفع نصب جر دارای اعراب تقدیری اند

شرایط ترین بودن

به شرطی که ال نداشته باشد و غیر منصرف هم نباشد در هر سه حالت تنوین نصب می‌گیرد ولی

همچنان در هر سه حالت اعرابش تقدیری است؟ کان القرآن هدیً للناس

خبر کان / تقدیراً منصوب

مقصوص (اسم) — اسم مختوم به (ي) ماقبل مکسور (ـِـي)

فقط در حالت رفع و جر تقدیری است

* حرف ی نباید مشدد باشد چرا؟

رجع الراجی — تقدیراً مرفوع

سلمت علی القاضی — تقدیراً مجرور

رأیت الفتا — منصوب ظاهری

* اسم مقصوص اگر شرایط تنوین داشتن را دارا باشد در حالات رفع و جر تنوین جری می‌گیرد ولی تقدیری

سلمت علی قاضٍ — رجع راعٍ — رأیت فتًی

تقدیراً مجرور — تقدیراً مرفوع — ظاهری اصلی

هذا ابنٌ

اسم مضاف — هر اسمی که مضاف الیه آن ضمیری باشد و در هر سه حالت اعرابش تقدیری شد

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject :
Year . Month . Date . ( )

فعل در حالت کلی مرفوع است و چون مقرب است باید علائم رفع بگیرد

مرفوع ← علائم رفع:
- اعراب اصلی ← ۵ صیغه ۱، ۴، ۷ و ۱۳، ۱۴ ← و
- اعراب فرعی ← تمام صیغه‌های جز ۶ و ۱۲ که ثبوت نون در پایانشان علامت اعراب است
- اعراب محلی ← صیغه ۶ و ۱۲ مبنی‌اند

منصوب ← علائم نصب:
- اعراب اصلی ← ۵ صیغه ۱، ۴، ۷ و ۱۳، ۱۴ ← أ
- اعراب فرعی ← حذف نون
- اعراب محلی ← صیغه‌ی ۶ و ۱۲ مبنی‌اند

راب فعل مضارع ← فعل مضارع تحت تأثیر حروف ناصبه منصوب می‌شود و علائم نصب می‌گیرد ← أن، لن، ل، کی، کی، حتی

← اگر یک حرف لا بعد از حروف ناصبه بیاید لا غیر عامل رایجی است و فعل تحت تأثیر حروف ناصبه منصوب می‌شود ← أن لا تشتر / لا تشتر

مجزوم ← علائم جزم:
- اعراب اصلی ← ۵ صیغه ۱، ۴، ۷ و ۱۳، ۱۴ ← ـْ
- اعراب فرعی ← حذف نون
- اعراب محلی ← صیغه ۶ و ۱۲ مبنی‌اند

با آمدن حروف جازمه و ادات شرط بر سر فعل مضارع مجزوم می‌شود و علائم جزم می‌گیرد ← لمّا، لم، لِـ (امر)، لا (نهی)، إن، من، ما، أینما، متی‌ما

* ادات شرط معمولا دو فعل را مجزوم می‌کند فعل اول فعل شرط فعل دوم جواب شرط نام دارد
* فعل شرط یا جواب شرط یا هردو می‌توانند ماضی باشند که در این صورت محلا مجزوم می‌شوند
* جواب شرط ممکن است اسمیه باشد که در این حالت برای تأکید بیشتر در ابتدای عبارت به کار می‌رود

أنتم الأعلون إن کنتم مؤمنین ← إن کنتم مؤمنین فأنتم الأعلون

انواع لِـ:

حرف ناصبه «لِـ» ← بلافاصله پس از آن یک فعل مضارع منصوب می‌آید [در هر ۱۴ صیغه]
- معمولا در وسط جمله می‌آید
- به معنای ← که، تا، تا اینکه، برای اینکه

حرف جازمه «لِـ» ← بلافاصله پس از آن یک فعل مضارع مجزوم می‌آید [غایب و متکلم]
- معمولا در اول جمله می‌آید
- به معنای ← باید

حرف جر «لِـ» ← بلافاصله پس از آن یک اسم مجرور می‌آید

لیذهب الطلاب الی المدرسة لتتعلم الدرس
جر — جازمه

PAPCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

ترکیب‌ها

اضافی (الإضافة)

از دو بخش مضاف [نقش نیست] و مضاف الیه [نقش است مجرور] تشکیل شده که هردو اسم اند و همواره کنار هم می‌آیند

* مضاف نه «تنوین» می‌گیرد و نه «ال»، اسم‌های اشاره، ضمیر و اسم موصول نمی‌تواند مضاف باشد
* یک اسم مثنی یا جمع مذکر سالم اگر مضاف واقع شود نون آن حتماً باید حذف شود: معلمی المدرسة

وصفی (الوصف)

از موصوف [منعوت] و صفت [نعت] (موصوف نقش نیست) تشکیل شده است

صفت نقشی است در چهار مورد از موصوف تبعیت می‌کند

موارد:
- جنس — * برای جمع غیر عاقل، صفت به شکل مفرد مونث به کار می‌رود
- تعداد
- معرفه و نکره — * صفت در معرفه و نکره بودن از موصوف پیروی می‌کند ← نه در «ال» داشتن
- اعراب — * صفت در اعراب (مرفوع، منصوب و مجرور بودن) پیروی می‌کند نه در نوع اعراب

* هرگاه پس از یک اسم نکره کلمه ذو بیاید ذو صفت است — جاء رجلٌ ذو علمٍ (منعوت: رجل، نعت: ذو، م الیه: علم)

جمله وصفیه جمله‌ای است که ویژگی یک اسم نکره را بیان می‌کند

* از آن جا که جمله است محلی تابع منعوت است
* برای ترجمه‌ی آن از که و حاجدول استفاده می‌کنیم [جمله‌ی وصفیه همیشه اسمیه است و مضارع]
* [جمله‌ای که بعد از اسم معرفه (علمیه) یا] [با واو یا فا جمله‌ی عاطفه] یا [پس از اسم موصول (صله)]

رأیتُ رجلاً یتکلّمُ مع نفسه (منعوت: رجلاً، جمله وصفیه: یتکلم مع نفسه)

شمارشی (اعداد)

۱ و ۲ — این دو عدد در نقش صفت هستند (اگر کنار معدود بیایند)
کتابٌ واحدٌ عندی * بعد از معدود به کار می‌روند

۳ تا ۱۰ — این اعداد صفت نیستند و با توجه به جایگاهشان اعراب می‌گیرند
* ال و تنوین نمی‌گیرند
* معدود این اعداد معمولاً «تمییز» هستند
* این اعداد با معدود خود از نظر جنس مخالف اند به شکل جمع با تنوین نصب می‌آیند

۱۱ و ۱۲ — قبل از معدود می‌آیند و نقش می‌گیرند علامت اعراب در جزء اول عدد نمایش داده می‌شود
* از نظر جنس موافق معدود اند
* معدود این اعداد معمولاً «مواقف» است و به شکل مفرد با تنوین نصب می‌آید

ترتیبی

این اعداد برای بیان ترتیب و همچنین ساعت استفاده می‌شوند

* جزء «الأول» بقیه هم بر وزن فاعل اند
* این اعداد صفت اند (اگر کنار معدود به کار رفته باشند)

الساعة السابعة

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

المبنی للمجهول ← روش ساخت ← ماضی ← عین الفعل را ـُ می دهیم، تمام حروف صدادار قبل از عین الفعل را ـُ می دهیم
مثال: اِسْتَخْرَجَ ← اُسْتُخْرِجَ

مضارع ← عین الفعل را ـُ می دهیم، فقط حرف مضارعه را ـُ می دهیم
مثال: یَسْتَخْرِجُ ← یُسْتَخْرَجُ

مراحل تبدیل جمله:
- حذف فاعل
- تبدیل مفعول به نائب فاعل ← اگر مفعول موصوف صفت داشته باشد باید آن را هم مرفوع کرد
- ساخت فعل مجهول
- تطبیق آن با نائب فاعل

نکات:
- درست ها هنگام تبدیل جمله ی معلوم به مجهول و یا برعکس باید به عدم تغییر زمان فعل دقت شود
- در جمله هایی دو مفعولی مفعول اول را نائب فاعل و دومی را به عنوان مفعول می آوریم
- اگر مفعول ضمیر متصل منفصلی باشد برای مجهول کردن صیغه ابتدا باید به صیغه ضمیری برگردانیم (علّم الله ← عُلِّمَ)
- هرگاه ضمیر متصل منصوبی به یک فعل بچسبد حتماً نقش مفعول دارد و فعل مجهول نیست. (عُلِّمَ)

هدم الأعداءُ مُدُنًا کثیرةً و خُرِّبَتْ المصانعُ ← هُدِمَتْ مُدُنٌ کثیرةٌ و خُرِّبَتِ المصانعُ

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

دسته‌ای از کلمات هستند که بر سر جمله‌ی اسمیه می‌آیند و خبر را منصوب، مبتدا را مرفوع نگه می‌دارند

* در این حالت مبتدا را اسم افعال ناقصه و خبر را خبر افعال ناقصه می‌نامیم

کانَ لَیسَ صارَ اَصبحَ مادامَ مازالَ

افعال ناقصه ← افعال ناقصه در ۱۲ صیغه صرف می‌شود [کان صار اصبح در حالت امر و مضارع هم خبر را منصوب می‌کنند]

* اسم افعال ناقصه می‌تواند به سه شکل اسم ظاهر ضمیر بارز و مستتر بیاید: هی لیست فی غرفته

اسم این، ضمیر مستتر جایز خبر لیس

حروف مشبه بالفعل ← به سه جلات اسمیه می‌آید مبتدا را منصوب می‌کند و خبر مرفوع می‌ماند

* مبتدا را ... خبر را ...

اِنَّ اَنَّ کَأَنَّ لَیتَ لٰکِنَّ لَعَلَّ

* خبر حروف مشبهة بالفعل ممکن است مفرد جمله شبه جمله و همچنین مقدم باشد ← اِنَّ المتقین ... اِنَّ اللهَ قدیرٌ لعلکم تتفکرون کأنها فی الغرفة

* اسم حروف مشبه بالفعل می‌تواند اسم ظاهر ضمیر متصل منصوب

اِنَّ اللهَ

لا نفی جنس ← به سه جلاتی اسمیه می‌آید مبتدا را منصوب می‌کند و خبر مرفوع می‌ماند

مبتدا را ... خبر را ...

* اسم لا نفی جنس نقشش است مبنی علی الفتح یعنی هر اسم معربی در این جایگاه قرار گیرد مبنی علی الفتح می‌شود

* چون مبنی است تنوین و ال نمی‌گیرد

* اسم لا نفی جنس باید نکره باشه به دیکته درست ها دقت کنیم معرفه به اضافه نباشه لا انفاقَ المالُ لله

مشخص ← بلافاصله پس از لا نفی جنس یک اسم نکره بدون تنوین و ال می‌آید

خبر لای نفی جنس مقدم نمی‌شود

خبر لای نفی جنس ممکن است محذوف به قرینه‌ی لفظی یا معنوی باشه ← معمولاً زمانی که لا اهلاً حذف به قرینه معنوی داریم

لا سیفَ الا ذوالفقار لا خیرَ فی الکذب و لا نجاةَ

ما کافه ← هرگاه حرف ما به حروف مشبهه بالفعل وصل شود تأثیر حروف مشبهة بالفعل را از بین می‌برد

اِنَّ اللهَ قدیرٌ ← اِنَّما اللهُ قدیرٌ

PdPCO

Subject:
Year. Month. Date. ( )

انواع من
- اسم موصول من — غیر عامل و معمولاً در وسط جمله می آید — معرفه ← کسانی که ← کسی که
- اسم استفهام من — غیر عامل و در ابتدای جمله ی پرسشی می آید — نکره ← چه کسی؟ (مفرد)
- اسم شرط من — عامل جزم و معمولاً در ابتدای جمله می آید — نکره ← هرکس

ما
- اسم موصول ما — غیر عامل — معمولاً وسط جمله می آید — معرفه ← چیزی که ← چیزهایی که
- اسم استفهام ما — غیر عامل — در ابتدای جمله ی پرسشی می آید — نکره ← چه چیزی؟
- اسم شرط ما — عامل جزم — معمولاً ابتدای جمله می آید — نکره ← هرچیزی
- حرف نافیه — غیر عامل — بر سر فعل ماضی می آید و آن را منفی می کند
- حرف ما کافه — غیر عامل — تأثیر حروف مشبهه بالفعل را از بین می برد
- حرف ما تعجب — " — ما أجمل هذه المناظر
- ما شبیه لیس — " — وما المال والأهلون إلا ودائع

و
- واو حالیه — غیر عامل
- واو عطف — غیر عامل
- واو قسم — عامل — جر

لا
- لا نافیه — غیر عامل و بر سر فعل مضارع می آید و منفی می کند
- لا ناهیه — عامل جزم و بر سر فعل مضارع می آید و آن را مجزوم می کند و امر منفی می سازد
- لای عاطفه — غیر عامل و معنای نه می دهد
- لای نفی جنس / لای تبرئه — عامل مبنی علی الفتح

PqPCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

* تنوین نصب باید برای همه کلمات روی ا یا ی بیاید مگر ة یا ء

مفعول مطلق تأکیدی

برای ساخت مفعول مطلق تأکیدی از مصدر نکره و منصوب فعل جمله استفاده می‌کنیم

* در ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی از عبارت‌های تأکید استفاده می‌کنیم مانند بدون شک قطعاً
* المفعول المطلق للتأکید ... بیان تأکید علی وقوع الفعل ... لرفع الشک عن الوقوع فعل

مفعول مطلق نوعی (بیانی)

برای بیان چگونگی انجام فعل در جمله به کار می‌رود

ساخت ← مصدر منصوب از فعل جمله + صفت یا جمله وصفیه / مضاف الیه

مصادر من نوعة افعال ↔ تفعیل

* در مفعول مطلق می‌توانیم مصدرها را جمع ببندیم برای مصدرهای ۳ حرفی به بالا با [ات]

ترجمه ← صفت ← باید صفت را به شکل عنید بیان ترجمه کرد مانند به خوبی به زیبایی به آهستگی

حرالیم ← برای ترجمه از کلمات شبه مانند همچون استفاده می‌کنیم

* در حالتی که مفعول مطلق نوعی با صفت است بیشتر شدیم کثیر ممکن است مصدر حذف شود و این حالت آن را صفت جانشین مفعول مطلق یا مفعول مطلق بیانی می‌نامیم

مفعول مطلق [فعل محذوف]

مصادری هستند که اغلب به صورت نکره و به تنهایی در جمله بکار می‌روند که غالباً معنای امر می‌دهند

به عبارت دیگر مصادر منصوب ابتدای جمله امر ← یا تلامیذی اجتهدوا اجتهاداً کثیراً

بعضی از این مصادر تبدیل به اصطلاح شده‌اند!

* حقاً حتماً أیضاً جداً شکراً عفواً معذرة عداً سبحان ...

مفعول فیه

یک نقش منصوب شبیه به عنید مکان و زمان که فارسی است

* هر اسمی که مفهوم مکان یا زمان به همراه دارد مفعول فیه است اگر نقش دیگری نداشته باشد

اگر خواستیم ظرف بیان یا نبودن یک اسم در اول جمله را بسنجیم آن را حذف می‌کنیم اگر جمله معنادار بود مفعول فیه است

باید دقت کرد که مفعول فیه را با مفعول به یکسان اشتباه نگیریم مفعول به ← را/ه

ظروف مکان: فوق، تحت، أمام، خلف، وراء، إزاء، مقابل، عند، لدی، حول، نحو، خلال، بین، یمین، یسار، مع، أین، هنا، هناک، ثمة، أینما، حیث، قرب، جنب،

ظروف زمان: قبل، بعد، حین، عندما، لدن، لدی، الآن، یوم، الیوم، لیلاً، أمس، غداً، الیوم، نهاراً، أولاً، صباحاً، مساءً، عشاءً، الربیع، الصیف، الخریف، الشتاء، فوراً، أبداً، دائماً، إذا، کلما، متی، أخیر

* اگر در یک جمله اسمی ظرف مکان یا زمان خبر شبه جمله باشد نقش آن خبر است نه مفعول فیه و طرح

الجنة تحت أقدام الأمهات

* چنانچه مفعول از کلمات کل بعض جمع ذات و اسم اشاره و اعداد ترتیبی بود مصدر ۳ ظرف زمان و مکان بیاد کلمه‌ی مفعول فیه و منصوب است

نذهب إلی المکتب ثلاثة أیام فی الأسبوع
صدیقی یذهب إلی المسجد کل أسبوع

یک نقش منصوب است و حالت اسم را بیان می کند مثال هنگ یک اسم مشتق و نکره منصوب است

ذوالحال ← اسمی است که به وسیله ی آن حالت آن نشان داده می شود و از نظر جنس و عدد با ذوالحال مطابقت می کند

لـ اولین چیزی یا اسمی که در حال مربوط است و ذهبت التلمیذات الی البیت مسرورات

حال ←

* برای ترجمه ی حال در زبان فارسی از قید استفاده می کنیم ← ضاحکاً : خندان / با خنده
* کلمه ی وحده به معنای تنها می باشد و اگر به ضمیر متصل شود می تواند در نقش حال قرار گیرد ← رجعت أنا وحدها
* کلمه ی معاً به معنای با یکدیگر اسم جامدی است که حال مفرد است ← سنشترک معاً في الحفلة الکریم
* بعضی اسم های مشتق ترکیب اضافی با یک اسم دیگر یک اصطلاح می سازند فقط جزء اول حال است ← قمیص القلب رقیق القلب

حال مفرد م الیه حال مفرد م الیه

سخی الکف عظیم الشأن مرفوع الرأس

جمله حالیه ←

هرگاه پس از پایان یا متن یک جمله آمین ارکان اصلی آن جمله ی دیگری بیاید که درباره ی یک اسم معرفه حاقق را بیان کند

* جمله حالیه محلاً منصوب است ممکن است فعلیه و یا اسمیه باشد
* اگر جمله ی حالیه اسمیه باشد یا قد + فعل ماضی یا لم و لما + مضارع مجزوم شروع شود واو حالیه می خواهد
* در جمله ی حالیه ممکن است دوالی ل وجود نداشته باشد ← کان الرجل من العبراء والشمس محترقة

تمیز ←

یک نقش منصوب نکره و غالباً جامد است که برای رفع ابهام به کار می رود و معمولاً در پاسخ به سوالاتی مثل از چه نظر و... عبارتی که در آن اسم تفضیل به کار رفته باشد ← أنت أحسن التلامیذ خلقاً ← خلق و خیم چیانیم در بعضی از تفضیلی باشد

عبارتی که در آن ها اعداد شمارشی سر و بالاتر به کار رفته باشد ← اني رأیت احدعشر کوکباً ← به تمیز نیاز دارند هم خیف الناس ایماناً

بعد مقیاس ها و اندازه گیری ← کأس ، قدح ، کوب ، فنجان ، کیل ، کیلو ، مثقال ، ذره ، صندوق ، متر

نعل هایی که نیاز به رفع ابهام دارند ← حَسُنَ ، طاب ، کَثُرَ ، رجح ، مَلأ ، إزداد ، تقدم ، إرتفع

ترجمه ←

برای ترجمه ی تمیز از عبارات از نظر ... از جهت ... از ... استفاده می شود

* هرگاه تمیز به همراه اسم تفضیل به کار رفته باشد ← می توان آن را به قالب یک کلمه ترجمه کرد
  - می توان به صورت مقایسه ای ترجمه کرد ← ترا زمن شود تمیز بیشتر
  - انت اکثر منی مالاً ← ثروت تو از من بیشتر است [مالک اکثر منی]
* هرگاه تمیز پس از فاعل و مفعول به کار رفته باشد می توانیم آن را به شکل آن دو ترجمه کنیم

حَسُنَ التلمیذ درساً ← دانش آموز از نظر درس خوب شد
درس دانش آموز خوب شد [حَسُنَ الدرس التلمیذ]

رجح هذا الکتاب قیمة ← او این کتاب را از نظر قیمت ترجیح داد
او قیمت این کتاب را ترجیح داد [هو رجح قیمة هذا الکتاب]

PDFCO

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

Subject:
Year. Month. Date. ( )

ارکان استثناء ← ادات ← إلا (غیر عامل)
مستثنی منه ← اسم یا جار و مجروری که در جمله‌ی قبل از إلا به کار می‌رود
* نقش محسوب نمی‌شود و معمولاً "خودش از نقش‌های اصلی جمله است
* باید از نظر مفهوم بیش از یکی باشد [جمع باشد، نکره باشد، اسم جنس]
مستثنی ← یک نقش منصوب است [در غیر مفرغ] ما رأیت أحداً في الغرفة إلا رجلاً (۳ / منصوب / ۳۳ / مفعول به)
اسم یا جار و مجروری است که بعد از إلا می‌آید
* مستثنی و مستثنی منه باید از یک سنخ و یک گونه باشند [هر دو جار و مجرور]

استثناء
انواع ← استثناء تام (غیر مفرغ) ← هر سه رکن استثناء در جمله ذکر شده است
مفرغ ← مستثنی منه از جمله حذف شده است و جمله‌ی قبل إلا از نظر معنا و ارکان کامل نیست
* آنچه بعد از إلا می‌آید مستثنی مفرغ است و اعراب مستثنی منه حذف شده را طلب
* مستثنی مفرغ فقط در جملات منفی یا سوالی دیده می‌شود
* گاهی ممکن است غیر فعل مستثنی منه باشد در صورتی که معنای جمله هد
* إلا به معنی جز و مگر است اما در استثنا مفرغ می‌توان آن را به صورت بست با فقط تنها
ترجمه کرد به شرط آن که قید ها در جا یگاه درست بیایند

ما یقول المؤمن إلا الحق (۳۳ / منصوب / حذف کان)
ما خرج من المدرسة إلا علی (۳۳ / مرفوع)
هل کانت نتیجة العمل إلا ما ترجاه (۳۳ / منصوب محلاً / خبر کان)

منصوبات

یک نقش منصوب است اسمی که مورد ندا قرار می‌گیرد
اگر حرف یا در جمله به کار رفته باشد بلافاصله پیش از آن است ← یا یمکن است بیاید [جز برای شبه مضاف] (امر، نهی، حالیه)
همواره با مضاف الیه به کار می‌رود و یکی از علائم نصب را می‌گیرد
منادای مضاف ← یا معلمی المدرسة (فرعی منصوب با یاء) یا صدیقی (تقدیراً منصوب) یا والدیّ (فرعی منصوب یاء) یا أبا الفضل (فرعی منصوب)
* حذف نون در جمع و مثنی واجب است
منادای علم ← در آن یک اسم علم مورد ندا قرار گرفته است ← یا الله [اللهم] (میم بدل از یا) یا أحمدُ یا فاطمةُ
* نقش منادای علم و نکره مقصوده مبنی علی الضم و محلا منصوب است
منادای نکره مقصوده ← منادای علمی است که علم نباشد یا تلمیذُ یا رجلُ یا سابقُ
* چنانچه بخواهیم یک اسم مثنی یا جمع را به کار ببریم چون مبنی علی الضم نمی‌شود مرفوع می‌کنیم
یا طالبانِ یا مؤمنون
منادای شبه مضاف ← هرگاه پس از حرف ندای یا اسمی با تنوین نصب بیاید و پس از آن جمله یا شبه جمله در توصیف و توضیح آن اسم به کار رود آن را منادای شبه مضاف می‌نامند و منصوب
یا خبیراً بفقری - یا وجیهاً عند الله - یا تلمیذاً لا یشکو
* چنانچه بخواهیم یک اسم الف دار را مورد ندا قرار دهیم قبل آن ایها می‌آوریم و این ای منادای مقصوده می‌باشد یا ایها العالم
* در منادای مضاف آلی مضاف الیه ضمیری باشد که در این حالت باز منادا مضاف و تقدیراً منصوب است [یا ربّ یا ربّی یا أمّ یا أمّی]

۰۹۱۲۱۱۸۲۱۲۱
۰۲۱۶۶۴۲۶۰۰۰

